

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی

گروه فلسفه علم و فناوری

رساله دکتری رشته فلسفه علم و فناوری

**بررسی خوانش سلبی از فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر
و ارزیابی رویکرد ایجابی فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان**

استاد راهنما:

دکتر مهدی معین‌زاده

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری

پژوهشگر:

محمدعلی روزبهانی

دی ماه ۱۳۹۸

سپاسگزاری

سپاسگزارم از دکتر مهدی معین‌زاده، استاد راهنمای فاضل و فرزانه‌ی من در این رساله که در تمام دوران تحصیل دکتری از او آموختم؛ او که هم درس‌آموز سنت و فرهنگ ایرانی بود و هم اهل دقت و نظر در سنت غربی. در کلاس‌های او مثنوی مولوی با حقیقت و روش گادامر یکجا حاضر می‌شد. این رساله سبب شد افتخار هم‌صحبتی و خوشه‌چینی از محضرش را بیش از پیش بیابم.

سپاسگزارم از دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری، استاد مشاور فاضل و فرهیخته‌ی من در این رساله که دقت‌نظر علمی و مساله‌مندی و دلسوزی‌اش زبانزد است. برخی از مهم‌ترین مطالعات و پژوهش‌هایم در دوران تحصیل با هدایت ایشان به ثمر رسید و همیشه قدردان نکته‌سنجی‌ها و خضوع ستودنی‌اش خواهم بود.

سپاسگزارم از اساتید دانشمند و نیکنام گروه فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جناب آقای دکتر علیرضا منصوری، جناب آقای دکتر علیرضا منجمی و جناب آقای دکتر محمدتقی چاوشی که محضر درس‌شان مغتنم و فرصتی بی‌نظیر بود. همچنین یاد می‌کنم از هم‌دوره‌ای‌های فرهیخته‌ام آقایان علیرضا شفا، سید علی هاشمی، یحیی شعبانی، سید مهدی باقریان، سید رضا باقرپور شیرازی و خانم الهه سروش که بر غنا و سودمندی این دوره تحصیلی به نیکی افزودند.

اظهار خاکساری و دستبوسی بی‌حد می‌کنم به محضر پدر و مادرم، حضرت حجت الاسلام و المسلمین حجت‌الله روزبهانی و بانوی مومنه فاطمه علیپور صفری که حیات و زندگی عملی‌شان، مهم‌ترین مدرسه زندگی من بوده است.

و سرانجام، سپاسگزارم از همسر فرزانه‌ام، خانم دکتر فائزه اسکندری که دوره‌ی دکتری را نیز همسان دیگر ادوار زندگی‌مان، دوشادوش هم گذراندیم و با درایت و دلسوزی او درس‌خواندن و زندگی‌کردن‌مان با هم یگانه شد و سپاسگزارم از فاطمه جان، میوه زندگی‌مان که در تمام این مدت هم‌پای ما چه صبح‌ها و عصرها را در پژوهشگاه گذراند. امید که در سایه‌ی الطاف و عنایت الهی، خود فرزانه‌ای مومن و فرهیخته شود.

تقدیم نامه

ما و هم‌نسلی‌های ما احتمالاً آخرین نسل بر سیاره‌ی زمین هستیم که عصر پیشامجازی را به خاطر می‌آوریم و «متاورس» هنوز برایمان حکم سرزمین عجایب را دارد. هنوز خاطراتی حسرت‌زده از زندگی عاری از شبکه‌های اجتماعی، عابربانک، موبایل، آموزش مجازی، واقعیت افزوده و عاری از دسترس‌پذیری همه‌چیز و همه‌کس داریم. فرزندان ما و فرزندان فرزندان ما هنوز چشم به عالم نگشوده، غرق در کنترل، خیال‌اندودی و همه‌گیری عالم مجازی به جهان پا می‌گذارند و معلوم نیست در آینده کدام نسل پرسشگر، از نسبت معوج انسان با حقیقت گیتی پرسش‌گری کند. رویای زندگی با واقعیت و پروای هم‌آغوشی با هستی‌گریزپایی که قرن‌هاست تن به اسارت عقل و فهم آدمی نداده است، آیا بار دیگر ساحت تفکر را شعله‌ور خواهد ساخت؟ با یاد آخرین ذخیره‌ی خدا، آخرین انسان، آخرین منجی که معنای حیات را بر سیاره‌ی رنج زندگی خواهد کرد و با اقتدا به او، اهالی جهان نجات خواهند یافت، این رساله را تقدیم می‌کنم به آنها که هنوز معنای زندگی را برایم روشن و شعله‌ور نگاه داشته‌اند:

پدر و مادرم، حجت‌الله روزبهانی و فاطمه علیپور صفری

همسرم، فائزه اسکندری

دخترم، فاطمه

پسرانم، محمدحسن و محمدحسین

چکیده

مطالعات علم و تکنولوژی در ایران، هم نیازمند مطالعات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی درباره‌ی نسبت ما با تکنیک و عالم جدید است و هم به پژوهش‌هایی بنیادین در راستای تعمیق خودآگاهی جمعی ایرانیان نسبت به این پدیده‌ی بی‌نظیر و تاثیرگذار احتیاج دارد. مطالعه‌ی تلاش‌های دیگران درباره‌ی چگونگی فروکاستن آسیب‌های فرهنگی تکنولوژی، می‌تواند ما را با راه‌هایی جدید برای یافتن پاسخ‌هایی ایرانی آشنا سازد. از این میان، آلبرت بورگمان که در فضای سرحدی و آکنده از مساله‌ی آمریکا به سر می‌برد، در تلاش است تا با بهره‌گیری از آنچه هایدگر درباره‌ی ذات جهان تکنولوژیک اندیشیده است، راهی برای تعامل و زندگی در جهان پست مدرن کنونی بیابد. او می‌خواهد پاسخ‌هایی عملی و کاربردی برای نیل به یک زندگی سعادت‌مند، همراه با بهره‌مندی از مواهب تکنیک پیش رو بگذارد. مهم‌ترین دغدغه‌ی هایدگر درباره‌ی تکنولوژی آن است که ماهیت تکنیک نسبت انسان و هستی را بر هم زده است و اصلی‌ترین دغدغه‌ی بورگمان، فراگیری فرهنگ تکنولوژیک است که نسبت انسان با واقعیت و جهان را تضعیف کرده است. ارزیابی تلاش‌های این دو اندیشمند با یکدیگر، می‌تواند ما را به بنیاد و ذات تکنولوژی نزدیک کند و امکانات آن را فرا روی ما گشوده دارد.

این پژوهش بر آن است راهی را که بورگمان برای رسیدن به رهیافت‌هایی برای زندگی در فرهنگ تکنولوژیک معاصر، در ادامه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر، پیموده است ارزیابی کند و کفایت فلسفی پاسخ‌های ایجابی او را در مقایسه با اندیشه‌های مارتین هایدگر، واکاوی نماید. در این مسیر برای نخستین بار در ایران، فلسفه تکنولوژی هایدگر از تمامیت اندیشه‌اش و نه تنها از نظرات مستقیم او درباره‌ی تکنیک و همچنین فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان بازسازی گردید و سپس با مطالعه‌ی تطبیقی اندیشه‌ی این دو فیلسوف، مشخص شد که بورگمان به عنوان یک فیلسوف تکنولوژی نوهایدگری نتوانسته است با تجویزهای ایجابی خود راه جدیدی را بگشاید. اگرچه دقت‌های او می‌تواند ما را نسبت به تغییرات و تحولات مفهومی تکنولوژی یاری رساند.

کلید واژه‌ها: آلبرت بورگمان، مارتین هایدگر، گشتل، پارادایم دستگاه‌ها، چیزها و فعالیت‌های کانونی

فهرست مطالب

۱	فهرست مطالب	۱
۷	فصل اول: کلیات و مقدمات	۷
۷	کلیات	۱-۱
۷	مساله‌ی پژوهش	۱-۱-۱
۹	قلمرو پژوهش	۱-۱-۲
۱۲	اهمیت و ضرورت پژوهش	۱-۱-۳
۱۳	اهداف پژوهش	۱-۱-۴
۱۴	پرسش‌های پژوهش	۱-۱-۵
۱۴	فرضیه‌های پژوهش	۱-۱-۶
۱۵	کاربرد پژوهش	۱-۱-۷
۱۶	پیشینه‌ی پژوهش	۱-۱-۸
۲۱	مقدمه: فلسفه‌ی تکنولوژی پس از چرخش تجربی	۱-۲
۲۷	فصل دوم: بازسازی فلسفه‌ی تکنولوژی آلبرت بورگمان	۲۷
۲۷	مقدمه	۲-۱
۲۹	انحراف فلسفه از زندگی معاصر	۲-۲
۳۳	وظیفه‌ی فلسفه	۲-۳
۳۹	فرهنگ تکنولوژیک و زندگی معاصر	۲-۴
۴۴	پارادایم دستگاه‌ها	۲-۵

۴۸	اشیا و فعالیت‌های قانونی	۲-۶
۵۳	دسترس‌پذیری و حضور اشیاء	۲-۷
۵۷	عبور از تکنولوژی مدرن به تکنولوژی پست‌مدرن	۲-۸
۶۲	حاد فعالیت و حادثه‌وشمندی	۲-۹
۶۴	حادواقعییت تکنولوژی اطلاعات	۲-۱۰
۷۱	کار و اوقات فراغت در نسبت با واقعییت	۲-۱۱
۷۶	واقعییت قانونی و عبور از پست‌مدرنیسم	۲-۱۲
۸۰	الهیات تکنولوژی و پایداری در فرهنگ تکنولوژیک	۲-۱۳
۸۷	نقد فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان	۲-۱۴
۹۴	فصل سوم: بازسازی فلسفه‌ی تکنولوژی مارتین هایدگر	
۹۵	بخش اول: بازسازی اندیشه‌ی هایدگر پیرامون مفهوم گشتل	
۹۶	مقدمه	۳-۱
۹۶	جهان‌بینی، فروکاستن عالم در چارچوب تصویر	۳-۲
۱۰۴	متافیزیک مترادف با گشتل	۳-۳
۱۰۷	امکان‌سنجی متافیزیک برای برون‌شدن از گشتل	۳-۴
۱۱۳	گشتل همچون ذات علم جدید	۳-۵
۱۲۵	نتیجه‌گیری	۳-۶
۱۲۷	بخش دوم: بازسازی فلسفه‌ی تکنولوژی مارتین هایدگر پیرامون مفهوم گشتل	
۱۲۸	اثبات ذاتمندی تکنولوژی	۳-۱

نسبت انسان و هستی در تکنولوژی‌های باستان	۱۳۱	۳-۲-
گذر از دوران باستان با محاسبه‌پذیری جهان	۱۳۶	۳-۳-
گشتل: انکشاف هستی در عصر تکنولوژی جدید.....	۱۴۱	۳-۴-
گشتل، حوالت تقدیر است	۱۴۴	۳-۵-
چیرگی گشتل به منزله‌ی پایان/کمال متافیزیک	۱۴۶	۳-۶-
گذر از حیوان ناطق به حیوان تکنیکی	۱۴۸	۳-۷-
اری‌گفتن/نه‌گفتن به گشتل: وارستگی از اشیاء.....	۱۵۳	۳-۸-
بخش سوم: راه‌های برون‌شدن از گشتل در اندیشه‌ی مارتین هایدگر		
خطر گشتل، بزرگترین خطر	۱۵۷	۳-۱-
هنر، به مثابه برونشو از گشتل	۱۶۰	۳-۲-
جشنواره به مثابه برونشو از گشتل	۱۶۳	۳-۳-
سکناگزیدن به مثابه برونشو از گشتل.....	۱۶۶	۳-۴-
بخش چهارم: مراقبت از چهارگان به مثابه برونشو از گشتل		
چهارگان در اندیشه‌ی هایدگر: آسمان، زمین، خدایان و میرندگان	۱۷۳	۳-۱-
آسمان.....	۱۷۵	۳-۱-۱-
زمین	۱۷۷	۳-۱-۲-
میرندگان.....	۱۷۹	۳-۱-۳-
خدایان	۱۸۱	۳-۱-۴-
شیئیت شیء و عالمیدن عالم با حضور چهارگان	۱۸۵	۳-۲-

۳-۳- چهاروجهی (Geviert) و گشتل (Ge-stell) ۱۸۷

۳-۴- مراقبت و نگهداری ۱۹۲

فصل چهارم: بررسی خوانش سلبی از فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر و ارزیابی رویکرد ایجابی

فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان ۲۰۱

۴-۱- فایده‌مندی و وظیفه‌ی فلسفه در اندیشه‌ی هایدگر و بورگمان ۲۰۲

۴-۲- بررسی سلبی یا ایجابی بودن اندیشه‌ی هایدگر و بورگمان نسبت به تکنولوژی ۲۱۵

۴-۲-۱- ارزیابی فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر و بورگمان از منظر سنت متافیزیکی (از افلاطون تا نیچه) ۲۱۹

۴-۲-۲- ارزیابی فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر و بورگمان با سنت فلسفی پراگماتیسم ۲۲۰

۴-۲-۳- ارزیابی فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر و بورگمان با تفکر بنیادین پسامتافیزیکی/پساگشتلی ۲۲۱

۴-۳- ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌های هایدگر و بورگمان درباره‌ی تکنولوژی ۲۲۶

۴-۳-۱- ارزیابی تطبیقی گشتل و پارادایم دستگاه‌ها ۲۲۶

۴-۳-۲- ارزیابی تطبیقی مراقبت از چهارگان و فعالیت‌های کانونی ۲۲۹

۴-۳-۳- نتیجه‌گیری ۲۳۴

منابع و مآخذ ۲۳۸

کلیات

فصل اول: کلیات و مقدمات

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ مسأله‌ی پژوهش

ایران، کشوری است در حال توسعه، که می‌خواهد در سریع‌ترین زمان ممکن، از دستاوردهای اغواگر دنیای جدید بهره‌مند شود و در چرخه‌ی تولید، توزیع و مصرف آن جایگاهی شایسته بیابد؛ همچنین می‌خواهد در عین مساهمت از مواهب تکنولوژی‌های معاصر، هویت فرهنگی خود را حفظ و تقویت کند و نسبت خود را با پیشینه‌ی تاریخی و مذهبی خود حفظ نماید. این خواست، در ادبیات متصدیان توسعه در ایران با عبارتهایی مانند «الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت»، «نهضت نرم‌افزاری»، «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، «ستاد توسعه‌ی نانو» و... پیگیری می‌شود. با تمام این خواست‌ها و اراده‌ها، توسعه‌ی تکنولوژی در کشور نامتوازن است؛ در حالی که ایران در توسعه‌ی برخی فناوری‌ها مانند فناوری نانو و زیست‌فناوری، به جایگاه بلندی دست یافته است، اما در صنعت عظیم و باسابقه‌ی خودرو، همچنان واردکننده و مصرف‌کننده‌ی تکنولوژی‌های نه چندان جدید شرکت‌های خودروسازی خارجی است و نتوانسته از میان سال‌های طولانی به صف تولیدکنندگان جدی این عرصه قدم بگذارد. پس چنین به نظر می‌رسد برای ما که همچنان رویای زندگی در یک جهان فناورانه‌ی فوق‌مدرن را در ذهن می‌پرورانیم، همچنان زود باشد که به بررسی انتقادی تکنولوژی با روی آوردن به فلسفه و مطالعات علم و تکنولوژی بپردازیم.

پیدایش فلسفه و مطالعات علم و تکنولوژی در جهان، پس از فراگیری علم تکنولوژیک و نمایان شدن برخی ناهنجاری‌های آن در زندگی روزمره‌ی آدمی رقم خورده است و تاریخ طبیعی این مطالعات، پس از خودآگاهی تاریخی از نابسندگی‌ها و ناکامی‌های جهان تکنولوژیک آغاز شده است؛ پس انسان ایرانی

چرا باید پیش از این خودآگاهی، به این مطالعات رو کند؟ کندوکاوی تاریخی راه‌گشای این پرسش مهم خواهد بود، آنجا که ما ایرانیان در مقام واردکننده و مصرف‌کننده کالاهاى غربی، از پی انقلاب صنعتی در انگلستان و اروپا و آمریکا، خسران و ویرانی صنایع قدیمه و کارگاه‌های سنتی‌مان را به چشم دیدیم. چنان‌که تاریخ‌نگاران مواهب انقلاب صنعتی انگلستان در ایران را چنین گزارش کرده‌اند: «در صنف حریربافان، تعداد کارگاه‌های اصفهان از ۱۲۵۰ واحد در سال ۱۲۰۰ شمسی، به ۴۸۶ واحد در دهه‌ی ۱۲۲۰ شمسی و ۲۴۰ واحد در دهه‌ی ۱۲۳۰ به ۱۲ واحد در اواخر دهه‌ی ۱۲۵۰ رسید. کرزن در دهه‌ی ۱۲۷۰ شمسی می‌نویسد: اصفهان مصرف‌کننده‌ی پارچه‌های نخی کارخانه‌های منچستر و گلاسکو شده است. سقوط صنعت بافندگی دستی به نوبه‌ی خود بر سایر اصناف وابسته نظیر رنگرزان حلاجان تاثیر گذاشت، به گونه‌ای که تقریباً از بین رفتند. با کمترشدن دامنه‌ی زیربنای اقتصادی، تقاضا برای کلاه-سازان، کفاشان و منبت‌کاران نیز کاهش یافت.» (فوران، ۱۹۶: ۱۳۸۲)

این وقایع منجر به فتوای نفی استفاده از منسوجات خارجی و در نهایت به تاسیس شرکت اسلامیة توسط عالمان اصفهانی گردید. (غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه‌ی ایران معاصر، ص ۴۷۲) چنین رخدادهایی نشان از نخستین بیداری‌های ما ایرانیان نسبت به تاثیرات اقتصادی و فرهنگی تکنولوژی‌های نوپدید دارد و نشان می‌دهد تامل بر چیستی تکنولوژی مدرن و چگونگی بهره‌گیری آن برای کشوری که ناگزیر از توسعه‌های فناورانه است و در عین حال اراده کرده است هویت فرهنگی‌اش از این رهگذر آسیبی نبیند، چقدر حیاتی و بنیادین است.

پرداختن به مساله‌ی تکنولوژی در فضای دانشگاهی ایران پس از آشنایی با اندیشه‌های مارتین هایدگر و کارل مارکس وارد فضای جدی‌تری شد و پای آن به گفت‌وگوها و نظریه‌پردازی‌های روشنفکرانه، فلسفی و جامعه‌شناختی باز شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروکش کردن اندیشه‌های چپ در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو نگاه بی‌رقیب در فضای اندیشه‌ای ایران همچنان به حیات خود ادامه داد. نگاه نخست، فراگیر و عمومی، نگاهی ابزارگرایانه به تکنولوژی است که تاثیرات فرهنگی آن را تحت اراده و جهت‌دهی سیاست‌گذاران می‌داند و نگاه دوم، که متأثر از هایدگر و برخی تفسیرهای ایرانی از آثار اوست؛ که تکنولوژی را دارای ذاتی ماهوی می‌داند و نسبت به سلطه‌ی آن بر جهان معاصر، به نحوی جبر تاریخی اعتقاد دارد.

مطالعات علم و تکنولوژی در ایران، هم نیازمند مطالعات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی درباره‌ی نسبت ما با تکنیک و عالم جدید است و هم به پژوهش‌هایی بنیادین در راستای تعمیق خودآگاهی جمعی ایرانیان نسبت به این پدیده‌ی بی‌نظیر و تاثیرگذار احتیاج دارد. مطالعه‌ی تلاش‌های دیگران درباره‌ی چگونگی فروکاستن آسیب‌های فرهنگی تکنولوژی، می‌تواند ما را با راه‌هایی جدید برای یافتن پاسخ‌هایی ایرانی آشنا سازد. از این میان، آلبرت بورگمان که در فضای سرحدی و آکنده از مساله‌ی آمریکا به سر می‌برد، در تلاش است تا با بهره‌گیری از آنچه هایدگر درباره‌ی ذات جهان تکنولوژیک اندیشیده است، راهی برای تعامل و زندگی در جهان پست مدرن کنونی بیابد. او می‌خواهد پاسخ‌هایی عملی و کاربردی برای نیل به یک زندگی سعادت‌مند، همراه با بهره‌مندی از مواهب تکنیک پیش رو بگذارد. مهم‌ترین دغدغه‌ی هایدگر درباره‌ی تکنولوژی آن است که ماهیت تکنیک نسبت انسان و هستی را بر هم زده است و اصلی‌ترین دغدغه‌ی بورگمان، فراگیری فرهنگ تکنولوژیک است که نسبت انسان با واقعیت و جهان را تضعیف کرده است. ارزیابی تلاش‌های این دو اندیشمند با یکدیگر، می‌تواند ما را به بنیاد و ذات تکنولوژی نزدیک کند و امکانات آن را فرا روی ما گشوده دارد.

این پژوهش بر آن است راهی را که بورگمان برای رسیدن به رهیافت‌هایی برای زندگی در فرهنگ تکنولوژیک معاصر، در ادامه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر، پیموده است ارزیابی کند و کفایت فلسفی پاسخ‌های ایجابی او را در مقایسه با اندیشه‌های مارتین هایدگر، واکاوی نماید. پیش از دست‌یابی به این مهم، ابتدا انگاره‌ی تکنولوژی نزد هایدگر و بورگمان بازسازی می‌شود.

۲-۱-۱ قلمرو پژوهش

با فرا رسیدن قرن بیستم، جهان مدرنی که فلاسفه‌ی روشنگری رؤیای آن را در سر داشتند، نهایتاً شروع به جلوه‌نمایی کرد. سیمای این عصر با نفوذ تکنولوژی در تمامی بخش‌های جامعه، هر چه بهتر نمود می‌یافت و هیچ‌کس را یارای گریز از تأثیرات آن نبود. بسط فراگیر بخش صنعت، تثبیت فرایندهای تولید و الگوهای کار عقلانی‌شده، رشد سریع شهرها، شکل‌گیری تولید انبوه و تولد جامعه‌ی مصرفی و تغییرات بنیادین دیگری در این دوره انجام یافت. با این حال، همراه با منفعت‌های بسیاری که این تحولات به همراه داشتند، معلوم شد که ناکامی‌های مهمی نیز در میان هستند.

فلسفه فناوری حوزه‌ای است که به سه پرسش اصلی می‌پردازد:

(الف) تکنولوژی چیست؟

(ب) چگونه می‌توانیم تبعات تکنولوژی را برای جامعه و شرایط بشری بفهمیم و ارزیابی کنیم؟

(ج) چگونه باید در نسبت با تکنولوژی عمل کنیم؟

دانشنامه‌ی استنفورد ذیل عنوان فلسفه‌ی تکنولوژی، مدعی است این زمینه طی دو قرن اخیر، تدریجا به صورت نوعی رشته درآمده و بیشتر به اثر تکنولوژی بر جامعه و فرهنگ پرداخته است تا به خود آن. کارل میچام این نوع فلسفه‌ی فناوری را «فلسفه‌ی تکنولوژی از منظر علوم انسانی» - Humanities philosophy of technology - می‌نامد زیرا با علوم اجتماعی و علوم انسانی پیوستگی دارد. فقط اخیرا شاخه‌ای از فلسفه‌ی تکنولوژی بسط یافته است که به خود تکنولوژی می‌پردازد و هدفش، هم فهم رویه‌ی طراحی و ابداع مصنوعات (به معنایی وسیع شامل نظامها و فرآیندهای مصنوعی) است و فهم سرشت چیزهایی که بدین‌سان ابداع می‌شوند همچون تفاوت محصول تکنولوژیک با محصول طبیعی؛ این شاخه‌ی متاخر از فلسفه‌ی تکنولوژی، به دنبال پیوستگی با علم و چندین حوزه‌ی دیگر در سنت تحلیلی در فلسفه‌ی مدرن، نظیر فلسفه‌ی کنش و تصمیم‌گیری، است نه با علوم اجتماعی و علوم انسانی. از دهه‌های آخر قرن نوزدهم و بیشتر قرن بیستم، رویکردهای انتقادی در تامل فلسفی در باب تکنولوژی غالب بوده است. قاطبه‌ی نمایندگان این رویکرد در علوم انسانی یا علوم اجتماعی تعلیم دیده بودند و عملا هیچ دانش دست اولی از عرف مهندسی نداشتند. اکثر نویسندگانی که طی قرن بیستم درباره‌ی فناوری و نقش اجتماعی-فرهنگی آن نقادانه می‌نوشتند، فیلسوفانی بودند دارای نگرشی عام (مارتین هایدگر، هانس یوناس، آرنولد گلن، گونتر آندرس، اندرو فینبرگ) یا پیشینه‌شان یکی دیگر از رشته‌های علوم انسانی یا علوم اجتماعی بود مانند نقد ادبی و پژوهش‌های اجتماعی (لوئیس مامفورد)، حقوق (ژاک الول)، علوم سیاسی (لینگدون وینر) یا مطالعات ادبی (آلبرت بورگمان). کارل میچام شکلی از فلسفه‌ی فناوری را که نوشته‌های ایشان و دیگران قوام‌بخش آن بوده‌اند، «فلسفه‌ی فناوری از منظر علوم انسانی» می‌خواند. زیرا نقطه‌ی عزیمت آن علوم اجتماعی یا علوم انسانی است، نه عرف یا رویه‌ی فناوری. آن دسته از فیلسوفان فناوری که از منظر علوم انسانی به آن می‌نگرند مایلند خود پدیدار فناوری را تقریبا مسلم فرض کنند؛ آن‌ها این پدیدار را نوعی «جعبه‌ی سیاه»، پدیداری وحدتمند، یکدست و ناگزیر

تلقى می‌کنند. علاقه‌ی ایشان بیشتر به درک مناسبات این پدیدار با اخلاق (یوناس، گلن)، سیاست (وینر)، ساختار جامعه (مامفورد)، فرهنگ بشری (الول)، وضع بشر (هانا آرنه)، متافیزیک (هایدگر)، فرهنگ (آلبرت بورگمان) است تا تحلیل و فهم خود آن. (دانشنامه‌ی فلسفه‌ی استنفورد، مدخل فلسفه تکنولوژی، مارتن فرانس، گرت-بان لوکهورست و ایبو وان د پول، ترجمه مریم هاشمیان، ققنوس ۱۳۹۵، ص ۱۸-۲۲) از این لحاظ تمامی این فیلسوفان صراحتاً منتقد فناوری اند: با توجه به همه‌ی جوانب، گرایش ایشان به قضاوتی منفی نسبت به شیوه‌ی اثرگذاری فناوری بر فرهنگ و جامعه‌ی بشری است، یا دست‌کم آثار منفی فناوری بر فرهنگ و جامعه‌ی بشری را برای بررسی بر می‌گزینند. این لزوماً بدان معنا نیست که خود فناوری علت بی‌واسطه‌ی این تحولات منفی نشان داده می‌شود، به طور خاص، در مورد هایدگر جایگاه فوق‌العاده مهم فناوری در جامعه‌ی مدرن نشانه‌ای است از چیزی بنیادین‌تر، یعنی رویکردی نادرست به وجود که قریب به بیست و پنج قرن در جریان بوده است. آلبرت بورگمان نیز از جمله‌ی فیلسوفانی است که فلسفه‌ی تکنولوژی را از منظر علوم اجتماعی مطالعه می‌کند.

این رساله، از میان دو نحله‌ی معاصر فلسفه‌ی تکنولوژی، یعنی فلسفه‌ی تکنولوژی مهندسی و فلسفه‌ی تکنولوژی از منظر علوم انسانی، به دسته‌ی دوم تعلق دارد و آراء یکی از فیلسوفان این گروه - آلبرت بورگمان - را در مقایسه با اندیشه‌ی یکی از فیلسوفان کلاسیک تکنولوژی - مارتین هایدگر - ارزیابی کرده است. قلمروی زمانی، مکانی و موضوعی این پژوهش به شرح زیر است:

الف) قلمرو مکانی: آمریکا، که سنت فلسفه تکنولوژی هایدگر از آلمان به آنجا رفته و در تفسیری پراگماتیستی و عمل‌گرایانه تحول یافته است و به تفسیر نوهایدگری از تکنولوژی مشهور است.

ب) قلمرو زمانی: اندیشه‌های فلسفی مارتین هایدگر را از ۱۹۱۹ تا مصاحبه‌ی او با مجله‌ی اشپیگل در ۱۹۶۷ و اندیشه‌های فلسفی آلبرت بورگمان درباره‌ی تکنولوژی را از اواخر قرن بیستم (اواسط دهه ۸۰ میلادی) تا کنون را در بر می‌گیرد.

ج) قلمرو موضوعی: فلسفه‌ی تکنولوژی از منظر علوم انسانی، فلسفه‌ی تکنولوژی کلاسیک، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی؛

۳-۱-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

نگرش رایج در دانشکده‌های فلسفه‌ی ایران و اندیشمندانی که درباره‌ی آثار فرهنگی و اجتماعی تکنولوژی‌های جدید پژوهش می‌کنند، بهره‌گیری از امکانات فرهنگ ایرانی اسلامی برای توسعه‌ی تکنولوژی‌های مدرن توأم با حفظ هویت ایرانی اسلامی است. ارزیابی رهیافت‌های بورگمان که اصلی‌ترین دغدغه‌اش حفظ فرهنگ‌های سنتی و دینی است، می‌تواند صفحات جدیدی از نسبت تکنیک و فرهنگ را پیش روی محققان گذارد و آنها را به مسأله‌های جدی‌تر و واقعی‌تری سوق دهد.

برنامه‌ریزان، دولتمردان و سیاست‌گذاران ایرانی در اقتباس، تاسیس و انتقال تکنولوژی از کشورهای صنعتی غربی، همچنان با نگاهی حداکثری و فارغ از بررسی تأثیرات ذاتی یا فرهنگی تکنولوژی اقدام می‌کنند. مطالعه‌ی فلسفه‌ی بورگمان و ارزیابی آن در سایه‌ی اندیشه‌های ژرف هایدگر، می‌تواند در صحنه‌ی عمل و برنامه‌ریزی راه‌گشا و موثر باشد و شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تری از ماهیت و ذات تکنولوژی را پیش رو بگذارد.

با توجه به پیشینه‌ی عظیم تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی و لزوم حفظ این هویت در برابر عناصر مخرب فرهنگی، شناخت دقیق و ظریف تبعات فرهنگی تکنولوژی‌های مدرن و پست‌مدرن و مطالعه‌ی راه‌کارهای حفظ فرهنگ بومی در شرایطی که فرهنگ تکنولوژیک استیلا یافته است، ضروری و لازم است. بورگمان به تفصیل تغییرات و تطورات تکنولوژی‌های مدرن و پست‌مدرن را بررسی کرده و تأثیرات فرهنگی هر یک را واکاوی کرده است.

از میان فیلسوفان تکنولوژی معاصر، آلبرت بورگمان از معدود فیلسوفانی است که حفظ فرهنگ بومی و هویت اخلاقی انسان را در نظر داشته است. برخی تحقیقات از جمله، مطالعات درباره‌ی امکانات فرهنگ ژاپنی برای مقابله با آسیب‌ها و تأثیرات منفی تکنولوژی بر مبنای اندیشه‌ی بورگمان، انجام شده است. این پژوهش امکانات اندیشه‌ی فلسفی او درباره‌ی تکنولوژی را واکاوی کرده است تا آشکار شود آیا می‌توان با رویکرد ایجابی بورگمان، با استفاده از امکانات فرهنگ ایرانی اسلامی، عبوری کم‌خطرتر از میانه‌ی فرهنگ تکنولوژیک معاصر را مقدر ساخت یا آنکه پروژه‌ی فکری او از دستیابی به چنین مقصودی ناتوان است.

همچنین جامعه‌ی ایرانی، جامعه‌ای دینی است و بزرگترین ویژگی هویتی شهروندان ایرانی، هویت دینی ایشان است. از طرفی بورگمان به عنوان یک فیلسوف کاتولیک معاصر که با آموزه‌های دینی همدلی دارد و دین را امری راه‌گشا برای رهایی از معضلات و آسیب‌های فرهنگی تکنولوژی می‌داند، می‌تواند طرف‌گفت‌وگویی فلسفی با اندیشمندان ایرانی قرار گیرد و طرفین دیدگاه‌هایشان را با یکدیگر در میان بگذارند و یا همدیگر را به چالش بکشند. ورود بورگمان به الهیات تکنولوژیک می‌تواند فصل‌های جدیدی را برای اندیشمندان دینی و مسلمان باز گشاید و آنها را وارد گفت‌وگویی رسمی و جدی درباره‌ی عرصه‌های خطیر فرهنگ معاصر جهان کند.

در نهایت، دقت و توجه آلبرت بورگمان به تغییرات سریع تکنولوژی در چهل سال گذشته شایان توجه است. او از انقلاب میکروالکترونیک، ژنتیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات و اینترنت نام می‌برد و به تفصیل درباره‌ی هر یک از این فناوری‌ها و تاثیرات فرهنگی آنها سخن می‌گوید. این در حالی است که ادبیات فلسفی موجود در ایران، همچنان ناظر به تغییرات فناورانه تا پنجاه سال گذشته است و رخدادهای جدید این عرصه، کمتر روایت شده است. پرداختن به بورگمان برای نخستین بار می‌تواند اندیشمندان ایرانی را با جدیدترین رخدادهای فرهنگی متأثر از پیشرفت و توسعه‌ی تکنولوژی آشنا کند.

همچنین رویکردهای نوهایدگری به تکنولوژیک در ایران ناشناخته مانده و ارزیابی آراء یکی از نمایندگان مکتب او با او، اهل علم را با منظر جدیدی از مطالعات درباره‌ی تکنولوژی آشنا خواهد کرد.

۴-۱-۱ اهداف پژوهش

- این پژوهش پنج هدف ذیل را که به‌نحوی در راستای یکدیگر قرار دارند، دنبال می‌کند:
- بررسی فلسفه‌ی رایج تکنولوژی در ایران که خوانشی سلبی از فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر است و ارزیابی رویکرد ایجادبی یکی از فیلسوفان نوهایدگری معاصر از این رو که آیا او در پروژه‌ی فکری‌اش کامیاب بوده است یا خیر.
 - تقویت و توسعه‌ی ادبیات مربوط به «تاثیرات فرهنگی و اجتماعی تکنولوژی» در فضای فکری و آکادمیک کشور.
 - ارزیابی رهیافتی فلسفی برای رویکرد گزینش‌گرانه در تاسیس، اقتباس و انتقال تکنولوژی‌های جدید و ایجاد بنیادهای نظری برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران تکنولوژی در ایران.

۱-۱-۵ پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

- مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم و اصول دیدگاه هایدگر درباره‌ی تکنولوژی کدام است و چگونه می‌توان فلسفه‌ی تکنولوژی او را بازسازی کرد؟
- مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم و اصول دستگاه فلسفی آلبرت بورگمان کدام است و چگونه می‌توان دستگاه فلسفی او را بازسازی کرد؟ مهم‌ترین انتقادات نسبت به فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان چیست؟
- فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان بر کدام انگاره‌های فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر بنا شده است؟
- فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان چه پیشروی‌ها و نوآوری‌هایی را نسبت به فلسفه‌ی هایدگر داشته است؟
- آیا فلسفه‌ی تکنولوژی نوهایدگری امکاناتی را برای عبور از نگاه سلبی به تکنولوژی و نگاهی عمل‌گرایانه و اثباتی را برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان تکنولوژی در ایران فراهم خواهد آورد؟

پرسش‌های فرعی این پژوهش عبارتند از:

- «فرهنگ تکنولوژیک» چه آسیب‌ها و مضراتی را برای زندگی انسان معاصر به همراه آورده است؟
- چه تفاوتی میان «تکنولوژی‌های مدرن» با «تکنولوژی‌های پست‌مدرن» و تاثیرات فرهنگی آنها وجود دارد؟

۱-۱-۶ فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های ذیل در فرایند پژوهش می‌توانند دچار تدقیق، تکمیل، تغییر شوند و یا اساساً کنار گذاشته

شوند:

- به نظر می‌رسد مهم‌ترین انتقادات به فلسفه‌ی بورگمان، در مقایسه‌ی دیدگاه او با فلسفه‌ی هایدگر رقم خواهد خورد. چرا که او تا حدی از نگاه به تکنولوژی به عنوان امری کلی فاصله گرفته است. همچنین چنین تصور می‌شود بر خلاف هایدگر که در تلاش است از نسبت سوژه-ابژه در فلسفه‌ی خود فاصله بگیرد، بورگمان این نسبت را بار دیگر میان انسان و اشیاء و وسایل برپا می‌سازد.
- بورگمان از جمله برجسته‌ترین فیلسوفان نوهایدگری است که به نظر می‌رسد بنیان فلسفه‌ی او متأثر از هایدگر است. او از عبارت «پارادایم وسایل» در توصیف چگونگی فراگیری تکنولوژی در

زندگی انسان بهره برده است که قرابت بسیاری به تعبیر «گشتل» هایدگر دارد. همچنین عبارت - هایی همچون «رهابخشی»، «مصرف گرایی»، «شیء» و... رنگ و بویی هایدگری دارند. احتمالاً توصیف او از «اشیاء کانونی»، متأثر از عبارت چهارگان هایدگر است.

- به نظر می‌رسد بورگمان در فلسفه‌ی تکنولوژی خود، از دیدگاه هایدگر پیش‌روی کرده و نوآوری - هایی داشته باشد. او بر گونه‌های مختلف تکنولوژی و تاثیرات فرهنگی و بافت فرهنگی اجتماعی که چنین وسایلی ایجاد می‌کنند متمرکز شده و ارتباط موثری میان روش زندگی و چگونگی بهره‌گیری از تکنولوژی برقرار نموده است. پرسش هایدگر، پرسش از هستی و چگونگی آشکارگی آن است و به همین میزان دیدگاهی عمیق و بنیادین است، اما پرسش اساسی بورگمان، متأثر از فضای عمل‌گرایانه و پراگماتیستی آمریکا با مساله‌هایی از زندگی روزمره‌ی مردم گره خورده است. بر خلاف هایدگر، به نظر می‌رسد بورگمان میان انواع تکنولوژی و تاثیرات آنها تفکیک قائل می‌شود. برخی پیش‌فرض‌ها این گمان را تقویت می‌کنند که او از فلسفه‌ی هایدگر عبور کرده است و برخی نشانه‌ها نظری خلاف این را به تصویر می‌کشند.

۷-۱-۱ کاربرد پژوهش

ادبیات فلسفه‌ی تکنولوژی در ایران از رویکرد هایدگر به تکنولوژی فراتر نرفته است و از سوی دیگر خوانش رایج از فلسفه‌ی او، رویکرد سلبی و دترمینیستی است. این در حالی است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی تاکنون رویکردهای جدیدی با چرخش تجربی به تکنولوژی‌های ملموس و انضمامی و با نظرداشت زمینه و بستر فرهنگی - اجتماعی توسعه‌ی تکنولوژی ارائه و تبیین شده است. این رویکردها با توجه به وجه عینی و انضمامی‌شان می‌توانند برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مرتبط با توسعه و ترویج تکنولوژی در ایران جذاب باشند، در حالی که هنوز به محک آزمونی جدی و فلسفی نرفته باشند. با توجه به کاربردی بودن و رویکردهای ایجابی چنین دیدگاه‌هایی و پیش‌بینی بهره‌گیری از آنها توسط متصدیان توسعه در ایران، ارزیابی و داوری پیشاپیش این اندیشه‌ها و نشان دادن عیار آنها، مخاطبان و خوانندگان فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان را یاری خواهد کرد تا مقام و میزان وثاقت پروژه‌ی فکری او را پیش از هر تصمیم یا تاثیرپذیری در نظر داشته باشند.

۸-۱-۱ پیشینه‌ی پژوهش

سخن گفتن در مورد گستره‌ای فلسفی به نام فلسفه‌ی تکنولوژی به چند دلیل کاری آسان نیست، چرا که رشد مدون آن عمری بیش از چهار دهه ندارد و اگر این تاریخ را با تاریخ فلسفه‌ی علم، مقایسه کنیم، که از اوان سده‌ی بیستم رشد مستمر و منضبط داشته است، متوجه عمر کوتاه فلسفه‌ی فناوری می‌شویم. به همین میزان مطالعات داخلی در این حوزه نیز بسیار اندک است.

پیشینه‌ی داخلی

جستجوی اجمالی در برخی از مهم‌ترین و معتبرترین پایگاه‌های اطلاعات علمی کشور مانند: «پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران» (ایران‌داک) و «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» (SID) نشان می‌دهد، تاکنون پژوهشی جدی در قالب «کتاب»، «مقاله» یا «پایان‌نامه» با موضوع رساله‌ی حاضر در ایران انجام نشده است، حتا رساله‌های تحصیلات تکمیلی که به موضوع فلسفه‌ی تکنولوژی پرداخته‌اند، انگشت‌شمار و به قرار زیر است:

- بررسی بدیل‌اندیشی فینبرگ در خصوص فناوری‌های مربوط به فضای مجازی، مرتضی رحیمی ۱۳۹۴ (دانشگاه صنعتی شریف)
- رهایی از فضای تکنولوژیک حاکم در اندیشه‌ی اندرو فینبرگ و مارتین هایدگر، خشایار برومند ۱۳۹۱ (دانشگاه صنعتی شریف)
- بررسی امکان‌پذیری و چگونگی تحقق نظام علم و تکنولوژی مبتنی بر دین، مصطفی تقوی ۱۳۹۱ (دانشگاه صنعتی شریف)
- ساخت‌گرایی اجتماعی در تکنولوژی، علی چاپرک ۱۳۸۶ (دانشگاه صنعتی شریف)
- جنبه‌های فلسفی مدل در علم و مهندسی، رکسانا اخباری ۱۳۸۵ (دانشگاه صنعتی شریف)
- فوکو، بودریار و امر تکنولوژیک، روزبه گیلاسیان ۱۳۸۳ (دانشگاه صنعتی شریف)
- آیا تکنولوژی دارای یک منطق خودمختار تکنون و تحول است؟ (خودمختاری تکنولوژیک)، علیرضا شاه‌میرزایی، ۱۳۷۹ (دانشگاه صنعتی شریف)
- جایگاه تبیین در علم و فن آوری، مهرداد فقیهیان، ۱۳۸۵ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)

کتاب‌های فارسی

در دهه‌های گذشته، آثار کم‌شماری در این حوزه در ایران منتشر شده‌اند. در سال‌های اخیر چند کتاب دیگر به فارسی ترجمه و تألیف شده‌اند که ادبیات موجود در این زمینه را قدری گسترش داده‌اند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

- فلسفه‌ی تکنولوژی، آثاری از مارتین هایدگر، دن ایدی، یان هکینگ، تامس کوون، دونالد مکنزی، ترجمه شاپور اعتماد، انتشارات مرکز، ۱۳۷۷.
- فرهنگ و تکنولوژی (مجموعه مقالات) ارغنون، شماره‌ی اول، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- فلسفه‌ی تکنولوژی چیست؟، نوشته‌ی کارل میچام، ترجمه‌ی مصطفی تقوی، یاسر خوشنویس و پریسا موسوی، انتشارات ایران، ۱۳۸۸.
- آموزش درباره‌ی تکنولوژی: درآمدی بر فلسفه‌ی تکنولوژی برای غیر فیلسوفان، نوشته مارک دووریس، ترجمه‌ی مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان، انتشارات دانشکده صداوسیما، ۱۳۹۰.
- فلسفه‌ی تکنولوژی دن ایدی: پاسخی به دترمینیسم تکنولوژیک، نوشته‌ی حسن کاجی، انتشارات هرمس، ۱۳۹۱.
- رویکردی در فلسفه‌ی تکنولوژی: از مصنوعات تکنیکی تا سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی، نوشته پیتر ورماس، پیتر کروس، ایبو ون دی پول، مارتین فرانس و ویبو هوکس، ترجمه‌ی مصطفی تقوی و فرخ کاکائی، انتشارات آمه، ۱۳۹۱.
- مقدمه‌ای بر مطالعات علم و تکنولوژی، نوشته‌ی سرگیو سیسموندو (انتشار متن اصلی در ۲۰۱۰)، ترجمه‌ی یاسر خوشنویس، انتشارات سروش، ۱۳۹۲.
- درآمدی بر فلسفه‌ی تکنولوژی، نوشته ول دوسک، ترجمه‌ی مصطفی تقوی، مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۳.

بخش بزرگی از کتاب‌های ترجمه شده‌ی مذکور متونی مقدماتی و مروری هستند. تنها یک کتاب تألیفی به رویکرد دان آید، یکی از فلاسفه‌ی فناوری معاصر، پرداخته است. بدین ترتیب، بسیاری از متون تأثیرگذار و کلیدی از فیلسوفان معاصر تکنولوژی و همچنین پژوهش‌های تألیفی و مروری در این‌باره هنوز به مخاطبان فارسی‌زبان معرفی نشده‌اند.

پیشینه‌ی خارجی

جستجوی اجمالی در برخی از مهم‌ترین و معتبرترین پایگاه‌های اطلاعات علمی خارجی مانند: Jstor، ProQest، و ... نشان می‌دهد، آثار و تألیفات قابل توجهی با موضوع «بررسی خوانش سلبی از فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر و ارزیابی رویکرد ایجابی فلسفه‌ی تکنولوژی بورگمان» تاکنون منتشر نشده است. کمتر تحقیقی فراتر از بررسی تکنولوژی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار فرهنگی، این پدیده را به عنوان پارادایم رایج و عمومی زندگی امروزی، تحت عنوان «فرهنگ تکنولوژیک» بررسی کرده است. بورگمان دستگاه‌های تکنولوژیک و نسبت‌های ناشی از آنها را واقعیت فرهنگی زندگی معاصر می‌داند که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و زندگی انسان باید متناسب با این فرهنگ جدید به سامان رسد. بر خلاف نگاه او بسیاری از مقالات، پژوهش‌ها و کتاب‌های دیگری که به رابطه‌ی فرهنگ و تکنولوژی پرداخته‌اند، هر یک از دو سوی این نسبت را مستقل از یکدیگر فرض کرده و به تاثیر آنها در یکدیگر پرداخته‌اند، در حالی که زمانه‌ی معاصر از نگاه بورگمان، زمانه‌ی فرهنگ تکنولوژیک است که سراسر جهان را در بر گرفته است. همچنین با توجه به اینکه رساله‌ی «درباره‌ی تکنولوژی» مارتین هایدگر از متون متاخر این فیلسوف آلمانی است، خوانش و بازسازی فلسفه‌ی تکنولوژی او کمتر انجام گرفته است و منابع در این باره نیز محدود است.

کتاب‌های اصلی بورگمان که در آنها مستقیماً به فلسفه‌ی تکنولوژی پرداخته است و در پیوند و ارتباط با یکدیگر، تصویر اندیشه‌ی او درباره‌ی تکنولوژی و نسبت آن با فرهنگ معاصر را ترسیم می‌کنند عبارتند از:

- ۱- تکنولوژی و سرشت زندگی معاصر، نخستین و مهم‌ترین کتاب آلبرت بورگمان که آن را در سال ۱۹۸۴ توسط انتشارات دانشگاه شیکاگو به دست طبع سپرده و عامل اصلی شهرت این فیلسوف آلمانی تبار آمریکایی بوده است. مهم‌ترین مفاهیم فلسفه‌ی او، «پارادایم دستگاه‌ها» و «فعالیت و چیزهای کانونی» در این کتاب شرح داده شده است.
- ۲- عبور از تقسیم پست‌مدرن، دومین کتاب مهم بورگمان است که آن را در سال ۱۹۹۲ منتشر کرده است. بورگمان در این کتاب برخی مفاهیم قبلی اندیشه‌اش را کامل کرده و با توجه به تغییرات وسیع تکنولوژی در دوران پسامدرن، با ظرافت به تفاوت‌های تکنولوژی در عصر مدرن و عصر پسامدرن پرداخته است.
- ۳- ماهیت اطلاعات در طول چرخش هزاره‌ها، عنوان سومین کتاب بورگمان است که آن را در سال ۱۹۹۹ در بهبوهه‌ی فراگیری اینترنت در جهان منتشر ساخته است و می‌توان آن را ادامه‌ی